داروی مورد نیاز

نویسنده: شوقی حسن
مترجم: دکتر محمدابراهیم ساعدی رودی
ویراستار: مجید احمدی
تصویرگر: مهرنوش دشتی زاده

((الرحیم))

از مجموعه کتاب‌های
أسماء الله الحسنی
(نام های نیک الله)







۸۰۸ داروی مورد نیاز /نویسنده: شوقی حسن، مترجم محمد ابراهیم ساعدی
۰۶۸۳/ رودی، ویراستار، مجید احمدی، تصویرگر: مهرنوش دشتی زاده. - شیراز:
۸۴۵ن ایلاف، ۱۳۸۷.
۱۲ ص.: مصور (رنگی).
ISBN: 978-964-8809-60-2
گروه سنی: ب، ج.
۱. داستان‌های کودکان. الف. ساعدی رودی، محمد ابراهیم، مترجم. ب. دشتی زاده، مهرنوش، نقاش. ج. احمدی، مجید، ویراستار، د. عنوان.

از مجموعه کتاب‌های

أسماء اللّه الحسنی

عنوان: داروی مورد نیاز

نویسنده: شوقی حسن

مترجم: دکتر محمدابراهیم ساعدی رودی

ویراستار: مجید احمدی

تصویرگر: مهرنوش دشتی زاده

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

ناشر: ایلاف

لیتوگرافی: پردیس ارم

چاپ: حافظ

صحافی: پارس

شابک: ۲-۶۰-۸۸۰۹-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰ تومان

داروی مورد نیاز

یا «رحیم»

نام های نیک و زیبا
داره خدا بچه ها

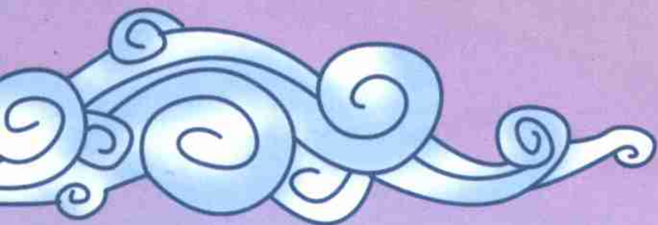
این نام ها را بدانید
سپس آن را بخوانید

«رحیم» یکی ازآن هاست
نام خداوند ماست

یعنی که مهربان است
یاور بندگان است

به ما بده ای رحیم
رحم و گذشت عظیم

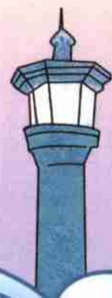




مانند همیشه شریف و پدرش از خانه بیرون رفتند تا نماز صبح را در مسجد بخوانند. در راه به خانه‌ی عمو حامد رسیدند. آن‌ها خواستند او را صدا بزنند تا بیدار شود و با آن‌ها به مسجد بیاید. وقتی به در خانه‌اش نزدیک شدند صدای ناله‌ی عمو حامد را شنیدند. آهسته در را زدند و پس از اجازه وارد خانه شدند. وقتی وارد خانه شدند دیدندکه عمو حامد بیمار است و از شدت درد آه و ناله می‌کند. همسرش به آن‌ها گفت: لطفاً در مسجد به دکتر عادل بگویید عمو حامد مریض است تا بیاید و او را معاینه کند. شریف با ناراحتی‌گفت: مدتی است که دکتر عادل به مسجد نمی‌آید و در خانه‌اش نماز می‌خواند، چون سرش خیلی شلوغ است و نمی‌تواند در نماز جماعت شرکت‌کند.

پدر شریف گفت: پس بیا با هم به خانه‌ی دکتر عادل برویم و او را بیدارکنیم تا دو ثواب ببرد: یکی ثواب نماز جماعت و دیگری ثواب معاینه‌ی عمو حامد. وقتی به سمت خانه‌ی دکتر عادل به راه افتادند اذان صبح را شنیدند و جالب این که موذن دکتر عادل بود.







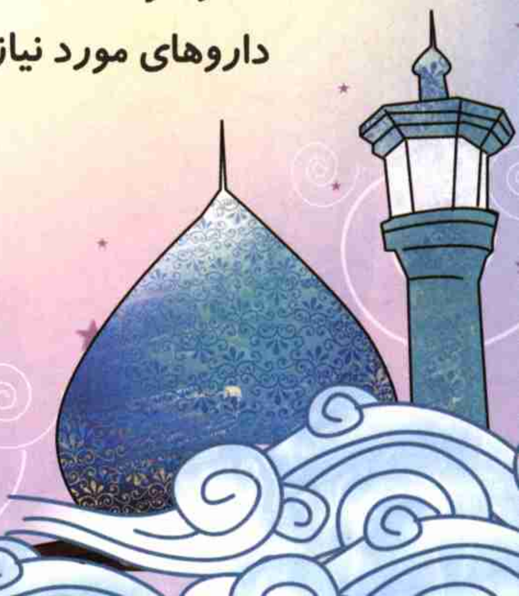

۱۲

شریف گفت: این صدای دکتر عادل است. زود به مسجد رفته است تا اذان بگوید. پدرش گفت: الحمدلله که دکتر عادل دوباره توانست در مسجدو نماز جماعت حاضر شود. وقتی نماز را با جماعت خواندند به دکتر عادل گفتند: عمو حامد مریض است، وآن‌گاه همه با هم به سوی خانه‌ی عمو حامد به راه افتادند تا دکتر عادل او را معاینه نماید. بعد از معاینه، دکتر می‌خواست نسخه‌اش را بنویسد که عمو حامد با التماس گفت: خواهش‌می‌کنم زیاد برایم دارو ننویس، چون من دارو را دوست ندارم.

پدر شریف گفت: دکتر جان! هر چه دارو لازم است بنویس تا الله او را شفا دهد و الله نسبت به بندگانش«رحیم» است. دکتر عادل نسخه را به همسر عمو حامد داد و از الله برایش سلامتی و بهبود خواست، سپس همه اجازه گرفتند و بیرون رفتند. پدر شریف هم نسخه را گرفت و با شریف به طرف داروخانه‌ی شبانه روزی به راه افتادند. شریف به پدرش گفت: عمو حامد از دکتر خواست که داروی کمی برایش بنویسد، ولی شما از او خواستید که همه‌ی داروهای مورد نیاز را برایش بنویسد در حالی که او دارو را دوست ندارد.









پدر شریف گفت: شریف جان! عمو حامد مرد فقیری است و پول همه‌ی این داروها را نمی تواند بپردازد، به این سبب از دکتر خواست که داروی کم‌تری برایش بنویسد. شریف گفت: ولی شما گفتید که اللّه نسبت به بندگانش «رحیم» است، منظورتان چه بود پدر جان؟ پدر گفت: پسرم! اول باید بدانی که «رحیم» یکی از نام‌های نیکو و زیبای اللّهِ والا مرتبه است. شریف گفت : بله، به این خاطر ما پیش از خواندن آیه یا سوره‌ای از قرآن کریم «بسم الله الرحمن الرحیم» می‌گوییم .

پدر گفت: بله، معنی رحیم این است که اللّه مشکلات همه‌ی گرفتاران، ورشکستگان، رنج دیدگان و بیماران را از میان بر می‌دارد. شریف گفت: بله، به این خاطر شما گفتید: اللّه نسبت به بندگانش «رحیم» است.

پدرش گفت: آری پسرم! اللّه برجلوگیری از هر بلا، از میان بردن هر فقر، درگشودن درها به روی کسی که هیچ یاوری در دنیا ندارد، در یاری کردن ستمدیده‌ی ناتوان بر ستمگر توانا، در انتقام گرفتن از هر انسانی که در روی زمین سرکشی و فساد می کند و در نشان دادن راه به ما وقتی که در تاریکی به سر می‌بریم، تواناست.





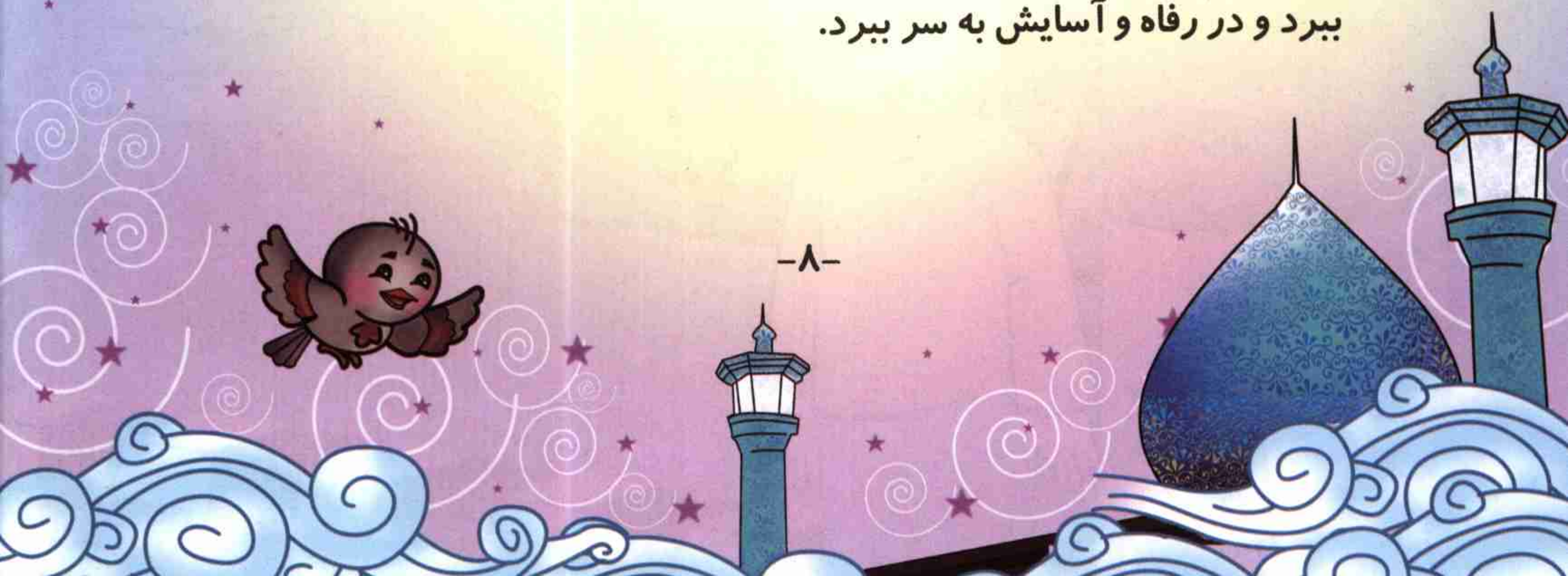



۷۵

شریف گفت: روزی شنیدم که یکی می گفت: به کسانی که در زمین هستند رحم کن، تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. منظورش چه بوده است پدر جان؟پدر گفت: منظورش این بوده که انسان باید به برادرش رحم کند تا اللّه که ارحم الراحمین، بخشنده‌ترین بخشندگان و مهربان‌ترین مهربانان است، به او رحم کند.

یکی از رحمت‌های اللّه بر انسان‌ها این است که ارتباط خود را با بندگان یک ارتباط مستقیم و بی واسطه قرار داده است. شریف گفت: بله پدر جان! ما وقتی به چیزی نیازمندیم آن را از اللّه می‌خواهیم .

هنگامی که نماز می‌خوانیم و هنگامی که چیزی را می‌خواهیم آن را از اللّه می‌خواهیم که این بیانگر رحمت اللّه است. پدر گفت: اللّه بارحمت خود روزی‌های گوناگونی به انسان ارزانی کرده است که هر کدام طعم خاصی دارد تا انسان هر چه می‌خواهد بخورد و علاوه بر این که زنده بماند، لذت ببرد و در رفاه و آسایش به سر ببرد.




دریافت دارو
دریافت نسخه

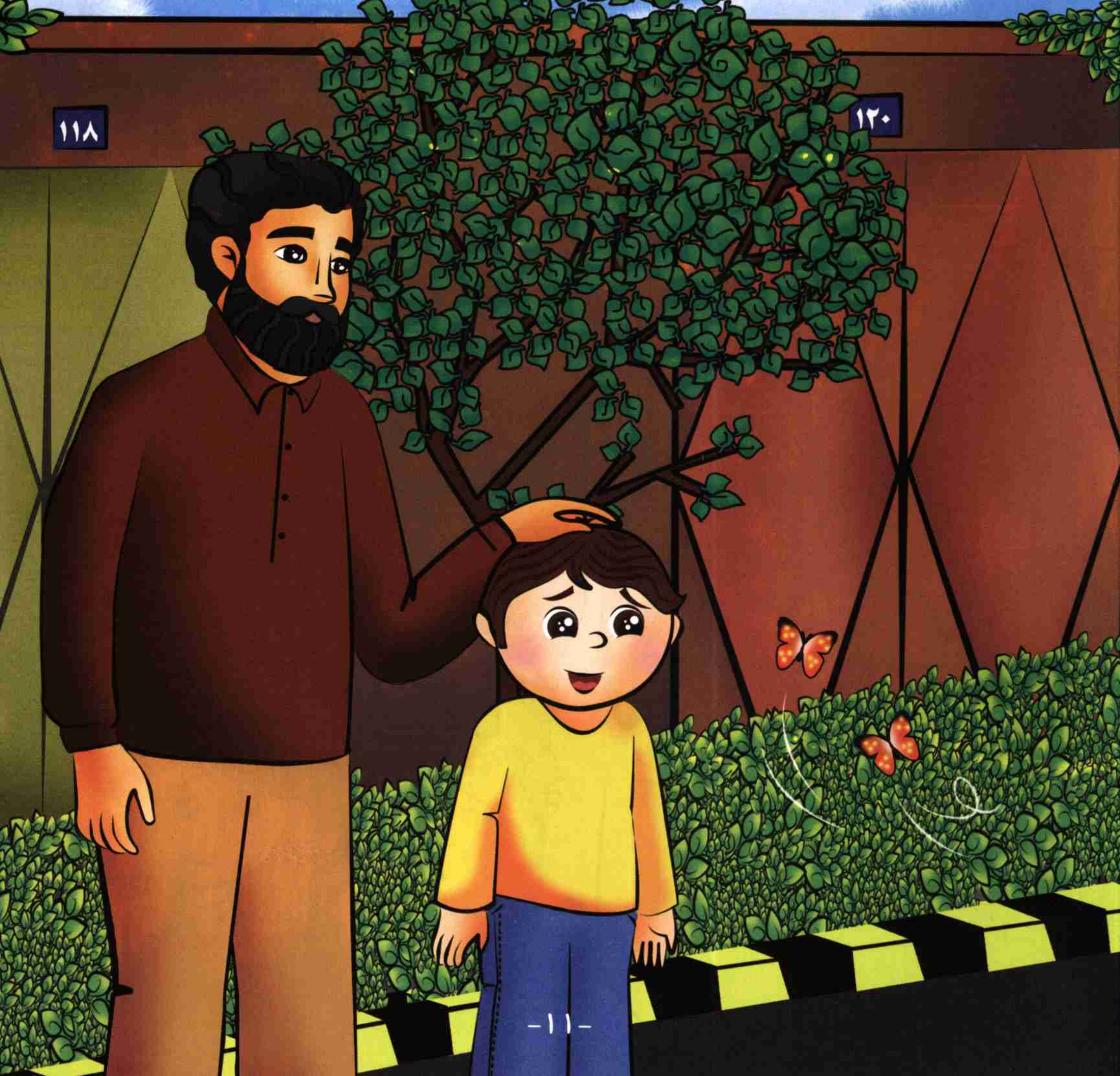
شریف گفت: چه زیباست صفات اللهِ والا مرتبه! پدر گفت: بالاخره به داروخانه‌ی شبانه روزی رسیدیم.

پس از مدتی پدر با داروها از داروخانه بیرون آمد و به شریف گفت: اکنون باید به خانه‌ی عمو حامد برویم. شریف گفت: چقدر دارو! خیلی خوب کاری کردید پدر جان! پدر گفت: ما بندگان اللّه هستیم پسرم! و سهم بنده از نام زیبای «رحیم» این است که به اندازه‌ی توانش نیاز نیازمندان را برآورده سازد و اگر فقیری را در نزدیکی خود دید به کمکش بشتابد و با مالش یا واسطه شدن نزد دیگران فقر را از زمین بردارد. اگر هم نتوانست با دعا کردن او را یاری کند.

پدر و شریف با داروها به خانه‌ی عمو حامد رسیدند. پدر در زد. وقتی همسر عمو حامد در را باز کرد داروها را به او داد و گفت: اللّه عمو حامد را شفا دهد.

سپس شریف با پدرش به خانه رفت و از این که معنای «رحیم» را فهمیده است خوش‌حال بود.




۱۱۸
۱۲۰


۱۲

از مجموعه کتاب‌های

أسماء اللّه الحسنی

(نام‌های نیک الله)

۱) اللّه: بزرگ‌ترین نام

۲) الرَّحمٰن: نهال‌های زیبا

۳) الرَّحیم: داروی مورد نیاز

۴) المَلِک: نصیحت حکیم بزرگ

۵) القُدُّوس: کار نیک

۶) السَّلام: توطئه‌ی نافرجام

۷) الفَتّاح: عبدالفتاح چه کار کرد؟

۸) العَلِیْم: این همان قاتل من است.

۹) الحَفِیْظ: بازدید از نمایشگاه کتاب

۱۰) الکَریْم: مرد خسیس و موش

۱۱) المُجِیْب: پسر بچه و سه نگهبان

۱۲) الباعِث: طالوت پادشاه

۱۳) الحَقّ: سه برادر

۱۴) القَوِیّ: ثروتمند مغرور

۱۵) الحَمِیْد: هیزم شکن فقیر

۱۶) القَیُّوم: شب سرد

۱۷) الصَّمَد: گنجشک کوچک

۱۸) القادِر: نیروی فرمانبردار

۱۹) المَقَدِّم: دستگاه زمان

۲۰) الظّاهِر: ذرت فروش

۲۱) الباطِن: متاسفم همکلاسی

۲۲) التَّواب: نهنگ غول پیکر

۲۳) المُنْتَقِم: کیفر ستمگر

۲۴) الرَّؤوف: اشتباهی که هرگز تکرار نمی‌شود

۲۵) المُقْسِط: زن ستمدیده

۲۶) المُغْنِی: فقیر ثروتمند

۲۷) المانِع: بدی به صاحبش بر می‌گردد

۲۸) النُّور: تابلو زیبا

۲۹) البَدِیْع: پرنده‌ی زیبا

۳۰) الرَّزّاق: داستان عمو رحمان


ISBN:978-964-8809-60-2



انتشارات ایلاف

شیراز، بلوار زند، جنب بانک ملی، شعبه کوثر، پاساژ صاحب الزمان / تلفن: ۰۷۱۱-۲۳۰۵۶۴۰